

تاریخ و تمدن



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آنچه در پی می‌آید سخنرانی آقای مهندس سید مصطفی میرسلیم وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی است که در مراسم افتتاحیه کارگاه آموزشی سازهای موسیقی سنتی آسیا در تاریخ ۷۵/۵/۶ و در فرهنگسرای نیاوران ایراد شده است.



هنر، زبان احساس و فهم مشترک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا ببریده‌اند
از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

بسیار خوشحالم که توفیق حضور در جمع هنرمندان و هنرشناسان یکی از اصیل‌ترین و مردمی‌ترین عرصه‌های هنری را یافته‌ام. فرصت را مغتنم می‌شمارم و برگزاری

«کارگاه آموزشی سازهای سنتی منطقه آسیا» را در ایران اسلامی؛ مهد کهن و درخشان هنر و فرهنگ به دست اندرکاران و مسئولان محترم آن و تمامی شرکت‌کنندگان گرانقدر تهنیت می‌گویم. به یقین این اجتماع ارزنده، زمینه و زمان مناسب برای شناخت منزلت و مقام موسیقی در فرهنگ‌ها و باورهای اصیل و عمیق و نیز درک ضرورت‌ها و نیازهای مشترک فراهم خواهد کرد.

موسیقی زبان ناگفتنی‌های انسان و تجلی احساس یک جامعه است. در فرهنگ ما «نی» نماد جوش و خروش و سوز و درد انسانی است که با رمز و رازهای هستی همواره در گفت‌وگو است و نوای دردآلود و پرمعنای خویش را به منزله راز و نیازی عارفانه گشوده است. من به راستی خوشحالم که امروز موسیقی اصیل و بومی - آن هم در رویکردی علمی و آموزشی - بهانه‌ی برای دیدار آشنایان کهن گردیده است و «نی» - ساز هم‌نوایی و هم‌سازی ملل هم‌پیوند و هم‌سرنوشت را سر داده است.

روزگاری نیاکان ما از سختی و سنگلاخ جاذبه ابریشم به آسانی می‌گذشتند تا هنر و فرهنگ را در کنار کالا و اقتصاد به دوسوی آسیا برند و اکنون در عصر ارتباطات و رویارویی فرهنگ‌ها به حق انتظار این است که آشنایی‌ها و میادله‌های فرهنگی به ویژه در عرصه هنر که زبان احساس و فهم مشترک است بیشتر شود هنرمندان اصیل و خویشتن‌شاس در وادی سفر به دنیای پُر راز و رمز آشنایی‌های کهن و ضرورت‌ها و نیازهای نو سفیران این هم‌سفری تازه هستند و با نفس و نوا و زخمه آشنایشان، هم‌سرنوشتی و هم‌سرنوشتی دینی و تاریخی و فرهنگی ملت‌هایشان را به خوبی به تصویر می‌کشند.

موسیقی اصیل و بومی با زتاب درک انسان حساس و نکته‌فهم و جامعه‌ی عمیق و با فرهنگ است و این واقعیتی است که هنر مشرق‌زمین به وضوح و صراحت نمایان می‌سازد. در موسیقی ایرانی فهم و اندیشه‌ی عمیق و احساسی لطیف نسبت به جهانی هدفدار و پرمعنا را می‌توان یافت و در بسیاری از انواع گوناگون موسیقی شرقی این نگاه عارفانه و عابدانه را می‌توان دنبال کرد. عرفان و معنویت که در جوهره این هنر اصیل شرقی نهفته است، در حقیقت حاکی از نوعی پرستش است و گفت‌وگو در آنجا که دیگر کلام را تاب و توار گفتن و شنیدن نیست. اگر موسیقی ایرانی بر در

می‌نشیند به آن سبب است که از دل برمی‌خیزد و ریشه در باورها و اعتقادات ماورایی و ماندگار اسلامی دارد. این موسیقی از یک‌سو زبان درک انسان از هستی و گفت‌وگوی او با پروردگار خویش است و از سوی دیگر روایت رنج‌ها و شادی‌های ملتی کهن و فرهنگی قدیم بالنده است، از این رو در هر نای و نوایش هزاران گفتنی نهفته است.

خاستگاه معنوی موسیقی و هم‌پیوندی آن با مناسک مذهبی و خصلت مردمی و فراگیر آن در ایران موجب شد که این هنر در پرتو اندیشه و تمدن اسلامی شکوفایی، خلوص و بالندگی ارزنده و ویژه‌ی بیابد و به حقیقت اصلی خویش بازگردد. اگر این هنر در دوره‌هایی خاص زندانی دربارهای شاهان و خوشگذرانی‌های آنان، پیش از ظهور اسلام گردید، به یمن روح تعالی‌بخش اسلام، ملازم و مقارن تفکر و عرفان و اندیشه و کلام گردید. جای تأمل و افتخار است که بسیاری از سرآمدان تاریخ موسیقی جهان متفکران، حکیمان، محدثان و ادیبان مسلمان ایرانی بودند که با پشتوانه‌ی از اندیشه و اعتقاد به باروری این هنر همت گماشتند، اینکه موسیقی در ایران با همت بزرگانی چون فارابی، ابن سینا، غزالی، جامی، عبدالقادر مراغه‌ای و ملامحسن فیض کاشانی به مرتبه‌ها و مقام‌هایی والا تر دست یافت، حکایت از گسترش و تعمیق آن در دامان تفکر دینی دارد.

به همان نسبت وقتی هنر موسیقی دستخوش هوسرانی‌ها و استبداد فردی و اجتماعی می‌شود از جوهره و ذات خویش و گستردگی و نفوذ مؤثر در جامعه دور می‌ماند. این حقیقتی است که تاریخ معاصر ما چه در قالب گسترش موسیقی مبتذل و بی‌هدف و چه در قالب نابودسازی موسیقی‌های اصیل و بومی و سلب هنر مهاجم غربی در بسیاری از جوامع تجربه کرده است.

بسیار خوشحالم که می‌توانم اعلام کنم که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آهنگ رشد و غنای موسیقی

اصیل و بومی ایرانی شتاب و گستردگی بیشتری یافت. زنگار ابتذال و پوچی از چهره اصیل موسیقی زدوده شد و مؤانست و هم‌آوایی آن با فرهنگ و ادب اسلامی و ایرانی به گستردگی و عمق تازه‌یی رسید. موسیقی مقامی و محلی از گوشه و کنار این سرزمین کهن دوباره با سربلندی سر برآورد و با تنوع و تازگی صحنه‌های نوین و جذابی از هنر اصیل و مردمی را آراستند. تردیدی ندارم که این مسأله، رهیافتی همگانی است. ضرورت توجه به فرهنگ و هنر بومی، واقعیتی است که همه جوامع و ملل زنده و با فرهنگ در این عصر به آن وقوف کامل دارند. در نیای کنونی که فرهنگ چیرگی طلب و مهاجم جهانی در سودای آن است که اصالت، معنویت، هدفداری و تنوع فرهنگ‌ها را با حاکمیت فرهنگی سوداگر، یکپارچه، بی‌روح و بیگانه با سرشت و احساس پاک انسان‌ها نابود کند، هر جامعه و ملتی در صدد پاسداری از فرهنگ و هنر بومی و اصیل خویش است. به‌راستی باید فرهنگ زاینده و بالنده خودی را پاس داشت و به خود بازگشت و در میانه این تلاش عظیم و گسترده «خویش» را باور داشت.

لازمه این باور و مقتضای آن دو رویکرد اساسی است. نخست، حفظ و بازآفرینی میراث‌های ارزنده فرهنگی و هنری کهن و انتقال آن به نسل‌های آینده به‌صورتی روزآمد است و دوم گسترش همکاری‌های منطقی و تعمیق روابط فرهنگی است.

در رویکرد نخست که خوشبختانه ما امروز شاهد تلاشی ارزنده در آن هستیم مقوله بازشناسی هنرهای اصیل، معنوی و انسانی و بازآفرینی آن در عصر کنونی و قانونمندکردن آموزش آنها برای انتقال به دیگران و مقابله با گسستگی نسل‌ها و انجام پژوهش‌های گوناگون علمی اولویت می‌یابد و در رویکرد دوم تقویت زمینه‌های همگری، همفکری و همکاری میان جوامع هم‌پیوند، هم‌سرشت به‌طور جدی مطرح است.

من امیدوارم که این کارگاه آموزشی منطقی‌یی

مقدمه‌یی برای همکاری‌های گسترده‌تر هنرمندان و هنرشناسان آسیایی در زمینه‌های گوناگون هنری و فرهنگی باشد. بدون تردید باید گذشته و پیشینه پُربار فرهنگی و هنری مشرق‌زمین در حیات کنونی و آینده جهان جریان یابد و انجام این مهم وقتی میسر است که فرهنگ بومی و خودی فی‌الواقع توسعه یابد. توسعه این فرهنگ نه یک تجمل بلکه یک ضرورت است و به یقین به‌صورتی جامد و موزه‌یی نیز به انجام نمی‌رسد. فرهنگ خودی باید به صورتی خلاقانه و زنده، علمی و آموزشی و متناسب با نیازها و زبان زمانه بازشناسی و بازآفرینی شود تا پویایی و حیات معناداری نیابد، از این رو هم حفظ جوهر و اصالت و هدفداری آن مهم است و هم آفرینندگی، زاینده‌گی و انطباق آن با تحولات گوناگون اجتماعی، علمی و صنعتی. تنها در این حالت است که هنرهای سنتی و کهن به‌صورتی فرهنگ‌ساز، گسترش‌پذیر و زاینده می‌مانند و ریشه می‌گسترانند.

از خداوند بزرگ برای تمامی هنرمندان و هنرشناسان این کارگاه که میراث‌داران اصالت و تعهد و ناقلان فرهنگ بومی و خودی هستند توفیق بیشتر مسئلت دارم و امیدوارم که ثمرات ارزنده اقداماتی از این دست در گسترش و تعمیق هنر و فرهنگ معنوی، دینی و انسانی و مقابله با هجوم گسترده و نامیمون فرهنگ ابتذال و استعمار مؤثر افتد. موفقیت و سعادت همه شرکت‌کنندگان گرامی را از درگاه پروردگار متعال خواهانم.